



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطلب اول اینکه قبلاً کلامی داشتیم مربوط به شیخ اعظم انصاری که در اول کتاب مکاسب حدیثی از تحف العقول نقل کرده بود که ولایت والی جائز "دروس الحق کله و احیاء الباطل کله و اظهار الظلم والجور والفساد وقتل النبیین و هدم المساجد و تبدیل سنة الله وشرایعه" خلاصه شیخ این مفاصد را در اول کتاب مکاسب برای ولایت والی جائز ذکر کرده بود، اما بعد همین شیخ انصاری در بحث ولایت فقیه آن را انکار کرده است که لازمه چنین انکاری این است که همان مفاصد مذکور بوجود بیاید چون امام حضور ندارد و فقیه نیز طبق گفته شما ولایت ندارد پس باید جائز با آن همه مفاصد ولایت داشته باشد، این اشکالی بود به شیخ اعظم انصاری در مکاسب و کسانی که مکاسب را شرح و حاشیه زده اند همگی این کلام شیخ را قبول کرده اند غیر از امام رضوان الله علیه، این مطلب مربوط به مکاسب شیخ انصاری بود.

مطلب دوم اینکه دیروز کلامی از مجمع البیان و امثاله خواندیم که فرموده بودند نمی از منکر در جائی واجب است که موجب قتل ناهی نشود چون قتل ناهی مفسده است و در جائی که مفسده باشد نمی از منکر واجب نیست، عرض کردیم این کلام درست نیست و امام رضوان الله علیه نیز در تحریرالوسیله در بحث امر به معروف و نمی از منکر می فرمایند اینجا جای قاعده "لا حرج" و "لا ضرر" نیست چون بعضی از کارها طبعاً و شرعاً بر اساس تحمل ضرر برپا شده و بوجود آمده است مثل جهاد که در آن کسی نمی تواند به این قواعد تمسک کند زیرا جهاد نفساً و ذاتاً توأم با ضرر و حرج و مشقت است البته در برابر فضیلت ها و ثوابهای فراوان، اینجا باید اهم و مهم سنجیده شود اگر منکر و یا معروف اهم باشند باید قیام کرد و حتی کشته شد که خیلی از شهداء حتی از اصحاب ائمه علیهم السلام نیز به همین صورت عمل کرده اند.

مطلب سوم اینکه ما در جریان جهاد و شهادت نمی خواهیم بحث مبسوطی داشته باشیم بلکه شما خودتان باید مراجعه و مطالعه کنید، از جهت قرآن در سوره های بقره و آل عمران و

نساء و انفال و توبه خداوند متعال درباره جهاد و شهادت مطالبی را بیان کرده است و تدریجاً جریان ها و حوادث گوناگون را ریشه یابی کرده و نقاط ضعف و قوت را بیان کرده تا برای مردم درس و عبرت باشد و بهترین ترتیب برای تربیت همین است که یک حادثه ای در خارج واقع شود و ما آن را از تمام جهات بسنجیم و ریشه یابی کنیم و فقط یک امر ذهنی نباشد و قرآن نیز به همین صورت جهاد و شهادت را مطرح و از جمیع جهات بررسی کرده است مثلاً در سوره توبه که بیش از همه سوره ها در مورد جهاد و مجاهدین و متخلفین مطلب دارد ذکر شده که در جنگ تبوک (اسلام و روم) عده ای در بین راه گفتند ما شتر پیغمبر را رم می دهیم تا او کشته شود و اگر کارمان پیشرفت نکرد و موفق نشدیم می گوئیم شوخی می کردیم و اگر موفق شدیم که خب پیغمبر را کشته ایم، تمام این جریانها در سوره توبه وجود دارد.

در مورد شهادت و فضیلت آن احادیث زیادی داریم اما جامع ترین حدیث در جلد ۹۷ بحار الأنوار طبع بیروت صفحه ۱۲ ذکر شده است.

خوب و اما کم کم می خواهیم وارد بحث آرایش نظامی بشویم که بسیار مهم می باشد، از چند جهت این بحث را شرح می دهیم:

اول اینکه: "لا جهاد إلا مع امام عادل" فرمانده کل باید امام معصوم و یا نائب مناب او باشد.

دوم فرمانده و شرائط او می باشد.

سوم شرائط مربوط به خود مجاهدین و رتبه بندی آنها از نظر قرار گرفتن در میدان جنگ می باشد که فقهاء بزرگ ما مثل علامه در قواعد مطالب بسیاری را در اینجا بیان کرده اند.

چهارم کیفیت جنگ می باشد که مثلاً زنان و بچه ها و پیر مردها نباید کشته شوند.

خوب و اما یک مطلبی که بسیار مهم و قابل ذکر است بحث آمادگی می باشد، اول آمادگی علمی و تحقیقاتی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا﴾^۱، خب کسانی که می خواهند در جنگ شرکت کنند باید در دانشگاه های نظامی درس خوانده باشند و آمادگی علمی و تحقیقاتی و فناوری داشته باشند، دوم آمادگی اطلاعاتی است

^۱ سوره نساء، آیه ۷۱.

الله علیه السلام: يا عبد الملك مالي لا أراك تخرج إلى هذه المواضع التي يخرج إليها أهل بلادك؟ قال: قلت: وأين؟ قال: جدة وعبادان (بلدٌ على بحر فارس قريب البصرة) والمصبصة (بلدٌ بالشام) وقزوين، فقلت: انتظارا لامركم والافتداء بكم، فقال: إي والله لو كان خيرا ما سبقونا إليه، قال: قلت: له: فان الزيدية يقولون ليس بيننا وبين جعفر خلاف إلا أنه لا يرى الجهاد، فقال: أنا لا أراه؟! بلى والله إني لأراه ولكني أكره أن أدع علمي إلى " علي خ ل " جهلهم^۳.

سند حدیث: در این خبر نیز عبدالمملک بن عمرو توثیق نشده ولی خبر مورد عمل فقهاء ما می باشد.

امام صادق علیه السلام در قبال بنی عباس حرکتی نکردند چون می دانستند به نتیجه نمی رسد و پیشرفتی حاصل نمی شود لذا بعضی ها که از جریانات مطلع نبودند به حضرت اعتراض داشتند که چرا شما نشسته اید و هیچ حرکتی نمی کنید، در این بین یک فرقه ای بنام زیدیه پیدا شدند که می گفتند بعد از امام سجاد علیه السلام امام کسی است که با شمشیر قیام کند، حالا در این خبر نیز از زیدیه چنین نقل قولی شده و از آنها سوال شده و حضرت نیز آن جواب را داده اند، حتی نقل شده که شخصی از خراسان نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت شما نشسته اید درحالی که در خراسان دویست هزار شمشیر زن دارید پس چرا قیام نمی کنید؟ خب این حرف ها را به حضرت زد و اعتراض کرد، حضرت به جاریه ای که آنجا بود دستور داد و گفت تنور را روشن کن، سپس در همین حال ابو هارون مکی که از اصحاب امام صادق بود وارد بر حضرت شد و حضرت به او گفت وارد تنور بشو، او گفت چشم و بعد درحالی که کفشش در دستش بود وارد شعله های آتش تنور شد و نشست، امام صادق علیه السلام صحبتش را درباره خراسان با آن شخص ادامه داد و ابو هارون نیز داخل تنور بود و بعد حضرت به سراغش رفت و گفت بیرون بیا و او نیز درحالی که سالم بود بیرون آمد، حضرت به آن شخص فرمودند من در خراسان چند نفر مثل ابو هارون دارم؟ او گفت حتی یک نفر هم ندارید، حضرت فرمودند من در صورتی قیام می کنم که اشخاصی اینطور آماده باشند، خلاصه اینکه حضرت در آخر روایت می فرمایند بله زید اینطور می گوید ولی من فعلا جهاد را صلاح نمی دانم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

یعنی باید مجاهدین از تمام جریانات دشمن از نظر موقعیت مکانی و تعداد نفرت و تجهیزات و امثال ذلک اطلاعات لازم را داشته باشند، سوم آمادگی تسلیحاتی می باشد درست است که شما از جهت ایمان و معنویت در سطح بالائی هستید ولی بالاخره باید از نظر تسلیحات و تجهیزات نیز به حدی باشید که دشمن از شما بترسد، چهارم آمادگی استراتژیکی می باشد که خب باید مجاهدین مدتی در رزمایش های مختلف تمرین کرده باشند زیرا بعضی از امور فقط خواندنی و آموزشی نیست بلکه تمرین عملی نیاز دارد، پنجم آمادگی اقتصادی است یعنی باید هزینه های مختلف برآورد شود، ششم آمادگی روحی است که باید شهادت طلبی تقویت شود یعنی باید معنویات در عمق وجود مجاهدین نفوذ کند تا فی سبیل الله جهاد کنند، این آمادگیها باید تماماً بوجود بیایند.

خوب و اما اولین بحث بعد از کسب آمادگی های مذکور و ورود به میدان جنگ این است که: "لاجهاد إلا مع امام عادل" که یکی از مختصات شیعه می باشد، اخبار مربوط به این بحث در باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو ذکر شده اند، خبر اول این خبر است: ﴿عنه بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن علي بن النعمان، عن سويد القلا، عن بشیر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: إني رأيت في المنام أني قلت لك إن القتال مع غير الامام المفترض طاعته حرام مثل الميتة والدم ولحم الخنزير، فقلت لي: نعم هو كذلك، فقال أبو عبد الله عليه السلام: هو كذلك هو كذلك﴾^۲.

سند حدیث: تا سويد القلا همگی خوب هستند ولی بشیر که همان بشیر دهان است وثاقتش ثابت نیست البته روایت مورد عمل فقهاء ما می باشد.

علت فرمایش حضرت این است که بنی اُمیه و بنی عباس جهاد را خراب و ضایع کرده بودند و آداب جهاد را رعایت نمی کردند آنها به سراغ مردم می رفتند و لشکر کشی می کردند و مقصودشان کشور گشایی و سلطه گری و گرفتن مالیات و خراج برای پر کردن جیب خودشان بود حتی گاهاً کفار می گفتند ما حاضریم مسلمان شویم ولی آنها می گفتند ما از شما مالیات می خواهیم بنابراین ائمه علیهم السلام اصرار داشتند که جهاد باید تحت نظر امام عادل باشد.

خبر دوم: ﴿وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن الحكم بن مسكين عن عبد الملك بن عمرو قال: قال لي أبو عبد

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۲، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، حدیث ۲، ط الإسلامية.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۲، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، حدیث ۲، ط الإسلامية.